# چهل حدیث در فضائل امام رضا (علیه السلام)

## مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: چهل حدیث در فضائل امام رضا علیه السلام/ تدوین موسسه نشر حدیث اهل البیت علیهم السلام؛ با همکاری خانه کتاب ایران  
مشخصات نشر: [تهران]: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی، انتشارات، ۱۴۱۵ق. = ۱۳۷۴.  
مشخصات ظاهری: ۷۶ ص.۲۰ x۵/۸س.م  
فروست: (چهل حدیث ۹)  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۶ - ۷۵؛ همچنین به صورت زیرنویس  
موضوع: اربعینات -- قرن ۱۴  
موضوع: علی بن موسی(ع)، امام هشتم، ۲۰۳ - ۱۵۳ ق. -- احادیث  
موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴  
شناسه افزوده: موسسه نشر حدیث اهل البیت علیهم السلام  
شناسه افزوده: ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت امور فرهنگی  
شناسه افزوده: خانه کتاب ایران  
رده بندی کنگره: BP۱۴۳/۹/چ ۹۲ ۹. ش ۱۳۷۴  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸  
شماره کتابشناسی ملی: م ۷۴-۵۹۵۲

## مقدمه

السلام علی غوث اللهفان و من صارت به أرض خراسان، خراسان، السَّلَامُ عَلَی قُرَّةِ عین فَاطِمَة سَیِّدَة نِسَاءِ الْعَالَمِینَ، السلام علی البهجة الرضویة و الأخلاق الرضیة و الغصون المتفرعة عن الشجرة الأحمدیة [1].  
سلام بر فریادرس پریشان دلان و (سلام) بر آن که به وجود او سرزمین خراسان، خراسان گشته است، سلام بر روشنی چشم فاطمه سرور زنان جهانیان، سلام بر آن خشنودی رضوی و آن شاخسار های برآمده از درخت احمدیه.  
[صفحه 4]  
بسم الله الرحمن الرحیم  
شیعه مفتخر است که همواره فرا راه خویش چراغ‌هایی نورافشان دارد که مسیر تاریک و ظلمانی زندگانی را بر او روشن می‌نماید و وی را از لغزش در گردابهای ضلالت رهایی می‌بخشد. از آن جایی که خداوند زمین را از حجت خویش خالی نساخته و نمی‌سازد، لذا پس از خاتم انبیاء حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، درهای یگانه‌ی امامت را برای هدایت و راهنمایی بشر برگزیده است و هر کدام در دورانی خاص نورافشانی نموده و برنامه‌ی الهی خویش را اجرا ساخته‌اند.  
[صفحه 5]  
در تاریخ درخشان شیعه این امر به وضوح دیده می‌شود که امامان پاک نهاد و برگزیده‌ی الهی هر کدام، با مأموریتی ویژه و تعیین یافته از جانب حق متعال به تربیت علمی و عملی و دستگیری شیعه پرداخته‌اند. تا کنون که دوران امامت و عصر غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ آن وجود مبارک به عنوان سکاندار عالم هستی، خورشید وجودش رشد دهنده‌ی جهان و جهانیان و به ویژه رشد دهنده‌ی انسانهای طالب کمال است، هر چند که حضرتش در غیبت و نهان زیستی به سر می‌برد، اما به تعبیر روایات گر چه این خورشید نور آفرین در ورای ابر غیبت به سر می‌برد، ولی باز وجود مبارکش سبب رشد و تعالی است. باری غرض از نگاشتن چنین حقایقی این است که تا بیان تذکاری باشد نسبت به فضائل و کرامات نعمت عظمای الهی یعنی وجود قدیس حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه الاف التحیة و الثناء، آن نعمتی که فضائلش به شماره در نمی‌آید و خداوند آن وجود ذی جود را نصیب شیعیان این مرز و بوم، شیعه خانه‌ی  
[صفحه 6]  
اهل‌بیت سلام الله علیهم گردانیده است. آری عقلها به هنگام توصیف حضرتش را به جایی نمی‌برد و قلم از نگاشتن باز می‌ایستد؛ و ما را نشاید که به توصیف این ادب یافتگان الهی بپردازیم، جز این که به بیان توصیف اینان از گفتار الهی و یا از گفتار خود این بزرگواران بسنده نماییم و این توصیف‌ها خود، ما را به باوری عمیق معترف می‌گرداند و دلهامان را آکنده از ولاء و محبت شان می‌سازد. چه نیکو است که در این مجال کوتاه نظری گذرا به گوشه‌ای از زندگی پربار و احیاگر آن امام همام داشته باشیم، چرا که آن حضرت دارای ابعاد گوناگونی بوده‌اند. در بعد علمی آن چنان مدعیان دروغین را رسوا می‌ساختند که همگان انگشت تحیر به لب می‌گزیدند. این نکته را در مباحثات و جلسات مناظره‌ای که مأمون به زعم باطل خویش جهت خرد ساختن مقام علمی آن حضرت به راه می‌انداخت به خوبی می‌توان دید. اما آن چنان که روایات شیعه بعد علمی این امام الهی را تصویر می‌کنند، حضرت رضا صلوات الله علیه سراپای وجودش را  
[صفحه 7]  
توحید فراگرفته و آن چنان با تمام وجودش درآمیخته بود که به گاه سخن در این وادی، تمامی مکاتب، مات و متحیر معارف توحیدی حضرتش گردیده‌اند و بسیاری از مدعیان علم، چون راه نورانی معارف شان را نپیموده اند به طریق هلاکت و ضلالت افتاده‌اند. در عصر حضرت رضا صلوات الله علیه دگر بار احیاء علوم الهیه را به گواه تاریخ نظاره‌گر هستیم که امام علیه‌السلام نه تنها در زمینه‌ی معارف توحید حرکت عظیمی داشته بلکه در جهت تربیت اصحاب خویش، آن حضرت آن چنان مزین به زیور اخلاق بود که ما در بخشی از روایات موجود در این مجموعه می‌خوانیم که دوست و دشمن در برابر خوی آسمانی و رفتار ملکوتی آن حضرت سر تعظیم فرود آورده و موافق و مخالف شیفته‌ی آن امام همام شده بودند؛ که به تعبیر روایات این خود یکی از علل ملقب شدن حضرت ثامن‌الائمه علیه‌السلام به رضا می‌باشد. به این ترتیب آن حضرت نمونه اتم تربیت الهی بود و تمامی حالات و رفتار و سکنات این وجود گرانمایه پندآموز و تعلیم گر بوده است. از آن جایی که حضرت همانند  
[صفحه 8]  
اجداد بزرگوارشان از شالوده‌ی وحی، علوم خویش را دارا هستند لذا کلمات درر باری از ایشان در بوستان گفتار آل‌محمد صلوات الله علیهم به چشم می‌خورد. از آن جمله حدیث سلسلة الذهب است یعنی زنجیزه‌ی طلایی، که تمامی ناقلان این روایت، ائمه معصومین سلام الله علیهم هستند که از ناحیه‌ی ذات ربوبی روایت صادر شده را نقل می‌کنند و حضرت رضا سلام الله علیه آن را در مسیر راه مدینه به طوس در شهر نیشابور بیان فرمودند. در خاتمه از باب تیمن و تبرک این حدیث شریف را می‌نگاریم امید آن که این مجموعه که حاوی چهل حدیث در فضائل و کرامات و نصوص بر امامت آن امام بزرگوار می‌باشد هدایتگر ما به سعادت و رضوان الهی گردد.  
عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ رَاهَوَیْهِ قَالَ لَمَّا وَافَی أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام نَیْسَابُورَ وَ أَرَادَ أَنْ یَرْحَلَ مِنْهَا إِلَی الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَیْهِ أَصْحَابُ الْحَدِیثِ فَقَالُوا لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَرْحَلُ عَنَّا وَ لَا تُحَدِّثُنَا بِحَدِیثٍ فَنَسْتَفِیدَهُ مِنْکَ وَ قَدْ کَانَ قَعَدَ فِی  
[صفحه 9]  
الْعَمَّارِیَّةِ فَأَطْلَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ سَمِعْتُ أَبِی مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ یَقُولُ سَمِعْتُ أَبِی جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ یَقُولُ سَمِعْتُ أَبِی مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ یَقُولُ سَمِعْتُ أَبِی عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ یَقُولُ سَمِعْتُ أَبِی الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ یَقُولُ سَمِعْتُ أَبِی [أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ] عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ ع یَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و سلم یَقُولُ سَمِعْتُ جَبْرَئِیلَ علیه السلام یَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ  
«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِی أَمِنَ مِنْ عَذَابِی فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» [2].  
اسحاق بن راهویه گوید:  
«آن هنگام امام رضا علیه‌السلام به نیشابور رسید و قصد عزیمت به سوی مأمون را داشت، راویان حدیث نزد ایشان گرد آمدند و گفتند: این فرزند رسول خدا، اکنون که عازم سفر هستید، آیا  
[صفحه 10]  
حدیثی برای ما بیان نمی‌فرمایید تا از شما بهره‌مند گردیم.  
حضرت رضا علیه‌السلام در آن هنگام در هودج نشسته بودند، پس سرشان را بیرون آوردند و فرمودند: از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که فرمود:  
از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که فرمود:  
از پدرم محمد بن علی شنیدم که فرمود:  
از پدرم علی بن الحسین شنیدم که فرمود:  
از پدرم حسین بن علی شنیدم که فرمود:  
از پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام شنیدم که فرمود:  
از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:  
از جبرئیل شنید که گفت: از خدای صاحب جلال و شوکت شنیدم که فرمود:  
لا اله اله الله دژ من است و کسی که به دژ من داخل گشت از عذاب من در امان است. (امام این را فرمود و) قافله حرکت کرد. پس از اندکی (سر از هودج بیرون آورد) و ما را ندا در داد که: (این کلام) شروطی دارد و من از شروط آن هستم.»  
[صفحه 11]

## حدیث 01

فی حدیث دعبل ان الرضا علیه‌السلام قال له:  
«لَا تَنْقَضِی الْأَیَّامُ وَ اللَّیَالِی حَتَّی تَصِیرَ طُوسُ مُخْتَلَفَ شِیعَتِی وَ زُوَّارِی أَلَا فَمَنْ زَارَنِی فِی غُرْبَتِی بِطُوسَ کَانَ مَعِی فِی دَرَجَتِی یَوْمَ الْقِیَامَةِ مَغْفُوراً لَهُ.» [3].  
ثُمَّ نَهَضَ الرِّضَا بَعْدَ فَرَاغِ دِعْبِلٍ مِنْ إِنْشَادِ  
دعبل از امام رضا علیه‌السلام نقل می‌کند که ضمن حدیثی فرمود:  
«روزها و شبها نمی‌گذرد تا این که طوس جایگاه آمد و رفت شیعیان و زائرانم می‌شود؛ آگاه باشید کسی که مرا در غربتم در طوس زیارت کند، روز قیامت با گناهان آمرزیده هم درجه‌ی من خواهد بود.»  
[صفحه 12]

## حدیث 02

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله:  
«سَتُدْفَنُ بَضْعَةٌ مِنِّی بِأَرْضِ خُرَاسَانَ مَا زَارَهَا مَکْرُوبٌ إِلَّا نَفَّسَ اللَّهُ کُرْبَتَهُ وَ لَا مُذْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَه » [4].  
رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:  
«پاره‌ای از تن من در سرزمین خراسان دفن می‌شود که هیچ گرفتاری او را زیارت نمی‌کند، جز این که خداوند پریشانی را از او می‌زداید و هیچ گنهکاری به زیارت او نائل نمی‌شود، مگر آن که خداوند گناهانش را می‌آمرزد.»  
[صفحه 13]

## حدیث 03

قال الرضا علیه‌السلام: «مَنْ زَارَنِی عَلَی بُعْدِ دَارِی و مزاری أَتَیْتُهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ  
فِی ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَتَّی أُخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَایَرَتِ الْکُتُبُ یَمِیناً وَ شِمَالًا [وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ] وَ عِنْدَ الْمِیزَان   
امام رضا علیه‌السلام فرمود:  
«کسی که با دوری راه سرا و مزار من به زیارت من بیاید، روز قیامت در سه جا (برای دستگیری) نزد او خواهم آمد و او را از بیم و گرفتاری آن موقفها رهایی خواهم بخشید: هنگامی که نامه‌ها (ی اعمال) در راست و چپ به پرواز درآیند، نزد (پل) صراط و نزد میزان (محل سنجش اعمال).»  
[صفحه 14]

## حدیث 04

قال الرضا علیه‌السلام: «وَ اللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ شَهِیدٌ» فَقِیلَ لَهُ فَمَنْ یَقْتُلُکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟  
قال: «شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ فِی زَمَانِی یَقْتُلُنِی بِالسَّمِّ ثُمَّ یَدْفِنُنِی فِی دَارِ مَضِیعَةٍ وَ بِلَادِ غُرْبَةٍ أَلَا فَمَنْ زَارَنِی فِی غُرْبَتِی کَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِیدٍ وَ مِائَةِ أَلْف صِدِّیقٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ حَاجٍّ وَ مُعْتَمِرٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ مُجَاهِدٍ وَ حُشِرَ فِی زُمْرَتِنَا وَ جُعِلَ فِی الدَّرَجَاتِ الْعُلَی مِنَ الْجَنَّةِ رَفِیقَنَا.» [6].  
امام رضا علیه‌السلام فرمود:  
«به خدا سوگند کسی از ما (ائمه اطهار علیهم‌السلام) نیست جز آن که کشته یا شهید می‌شود.»  
گفته شد: چه کسی شما را ای فرزند رسول خدا می‌کشد؟  
فرمود:  
[صفحه 15]  
«بدترین آفریدگان خدا در زمانم مرا با زهر می‌کشد، سپس مرا در دیار غربت و سرایی دور افتاده دفن می‌کند؛ آگاه باشید کسی که مرا در غربتم زیارت کند، خدای عزوجل ثواب یکصد هزار شهید، یکصد هزار صدیق، یکصد هزار حج گزار و عمره گزار و یکصد هزار مجاهد را برای او می‌نویسد و در زمره‌ی ما محشور می‌شود و در درجات والای بهشت رفیق و همراه ما خواهد بود.»  
[صفحه 16]

## حدیث 05

قال علی بن محمد بن علی الرضا علیه‌السلام:  
«مَنْ کَانَتْ لَهُ إِلَی اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْیَزُرْ قَبْرَ جَدِّیَ الرِّضَا علیه السلام بِطُوسَ وَ هُوَ عَلَی غُسْلٍ وَ لْیُصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَکْعَتَیْنِ وَ لْیَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَهُ فِی قُنُوتِهِ فَإِنَّهُ یَسْتَجِیبُ لَهُ مَا لَمْ یَسْأَلْ مأثما أَوْ قَطِیعَةِ رَحِمٍ وَ إِنَّ مَوْضِعَ قَبْرِهِ لَبُقْعَةٌ مِنْ [بِقَاعِ] الْجَنَّةِ لَا یَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ وَ أَحَلَّهُ إِلَی دَارِ الْقَرَار.» [7].  
امام علی النقی علیه‌السلام فرمود:  
«کسی که از خدا حاجتی می‌خواهد، قبر جدم (حضرت) رضا علیه‌السلام را در طوس زیارت کند، در حالی که غسل نموده باشد و سپس بالای سر آن حضرت دو رکعت نماز گزارد و در  
[صفحه 17]  
قنوت آن از خدای تعالی حاجت خود را بخواهد. در این صورت است که دعایش مستجاب می‌شود، مادام که گناه یا بریدن از خویشاوندی را درخواست نکرده باشد. همانا جایگاه قبر او قطعه‌ای از بهشت است که هیچ مؤمنی آن را زیارت نمی‌کند، مگر این که خدای تعالی او را از آتش (دوزخ) رهایی می‌بخشد و به سرای آرامش (بهشت) وارد می‌سازد.»  
[صفحه 18]

## حدیث 06

قال الرضا علیه‌السلام:  
«إِنِّی سَأُقْتَلُ بِالسَّمِّ مَظْلُوماً وَ أُقْبَرُ إِلَی جَنْبِ هَارُونَ الرشید وَ یَجْعَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ تُرْبَتِی مُخْتَلَفَ شِیعَتِی وَ أَهْلِ مَحَبَّتِی فَمَنْ زَارَنِی فِی غُرْبَتِی وَجَبَتْ لَهُ زِیَارَتِی یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ الَّذِی أَکْرَمَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم بِالنُّبُوَّةِ وَ اصْطَفَاهُ عَلَی جَمِیعِ الْخَلِیقَةِ لَا یُصَلِّی أَحَدٌ مِنْکُمْ عِنْدَ قَبْرِی [رَکْعَتَیْنِ] إِلَّا اسْتَحَقَّ الْمَغْفِرَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ یَوْمَ یَلْقَاهُ وَ الَّذِی أَکْرَمَنَا بَعْدَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم بِالْإِمَامَةِ وَ خَصَّنَا بِالْوَصِیَّةِ إِنَّ زُوَّارَ قَبْرِی لَأَکْرَمُ الْوُفُودِ عَلَی اللَّهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ یَزُورُنِی فَیُصِیبُ وَجْهَهُ قَطْرَةٌ مِنَ الْمَاءِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَی جَسَدَهُ عَلَی النَّار  
.» [8].  
[صفحه 19]  
امام رضا علیه‌السلام فرمود:  
«من بزودی مظلومانه با زهر کشته می‌شوم و کنار قبر هارون دفن می‌گردم و خداوند خاک (قبر) مرا جایگاه رفت و آمد (و زیارتگاه) شیعیان و دوستارانم می‌گرداند. پس کسی که در غربتم مرا زیارت کند، روز قیامت زیارت او بر من واجب می‌شود؛ قسم به آن که محمد صلی الله علیه و سلم را به پیامبر گرامی داشت و او را بر تمامی مردم برگزید، کسی که از شما نزد قبرم نماز نمی‌گذارد، جز آن که روزی که خدای صاحب عزت و جلال را ملاقات می‌کند، شایسته‌ی آمرزش می‌شود و قسم به آن که بعد از محمد صلی الله علیه و سلم ما را به امامت گرامی داشت و به وصایت (و جانشینی آن حضرت) اختصاص گرامی‌ترین گروهها خواهند بود که روز قیامت بر خدای صاحب عزت و جلال وارد می‌شوند؛ و هیچ مؤمنی نیست که مرا زیارت نماید و قطره‌ای آب (باران) به صورت او بخورد، جز  
[صفحه 20]  
آن که خداوند پیکرش را بر آتش (دوزخ) حرام می‌کند.»  
[صفحه 21]

## حدیث 07

قَالَ الرِّضَا علیه‌السلام:  
«لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَی شَیْ‌ءٍ مِنَ الْقُبُورِ إِلَّا إِلَی قُبُورِنَا أَلَا وَ إِنِّی لَمَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظُلْماً وَ مَدْفُونٌ فِی مَوْضِعِ غُرْبَةٍ فَمَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَی زِیَارَتِی اسْتُجِیبَ دُعَاؤُهُ وَ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُه » [9].  
امام رضا علیه‌السلام فرمود:  
«بار به سوی هیچ قبر (و زیارتگاهی) بر نبندید مگر این که به زیارت قبور ما بیایید. آگاه باشید که مرا مظلومانه مسموم ساخته و می‌کشند و در جایی غریبانه به خاک می‌سپارند پس هر کس که بار سفر برای زیارت من بربندد، دعایش مستجاب می‌شود و گناهش مورد آمرزش واقع می‌گردد.»  
[صفحه 22]

## حدیث 08

فی خبر: أَنَّ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ علیه‌السلام کَانَ یَقُولُ لِبَنِیهِ:  
«هَذَا أَخُوکُمْ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی الرِّضَا عَالِمُ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام فَسَلُوهُ عَنْ أَدْیَانِکُمْ وَ احْفَظُوا مَا یَقُولُ لَکُمْ فَإِنِّی سَمِعْتُ أَبِی جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام غَیْرَ مَرَّةٍ یَقُولُ «إِنَّ عَالِمَ آلِ مُحَمَّدٍ لَفِی صُلْبِکَ وَ لَیْتَنِی أَدْرَکْتُهُ فَإِنَّهُ سَمِیُّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیٍّ علیه السلام.» [10].  
[صفحه 23]  
جعفر بن محمد علیه‌السلام شنیدم که بارها می‌فرمود:  
همانا عالم آل محمد علیهم‌السلام در صلب توست، ای کاش او را درک می‌کردم! که همانا او همنام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است.»  
[صفحه 24]

## حدیث 09

قَالَ عَلِیُّ بْنُ مَهْزِیَارَ: قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه‌السلام: جُعِلْتُ فِدَاکَ زِیَارَةُ الرِّضَا علیه‌السلام أَفْضَلُ أَمْ زِیَارَةُ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ علیه السلام فَقَالَ زِیَارَةُ أَبِی علیه السلام أَفْضَلُ وَ ذَلِکَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَزُورُهُ کُلُّ النَّاسِ وَ أَبِی علیه السلام لَا یَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشِّیعَة.» [11].  
علی بن مهزیار گوید: به امام جواد علیه‌السلام عرض کردم: فدایت شوم، زیارت حضرت رضا علیه‌السلام فضیلت بیشتری دارد یا زیارت ابا عبد الله الحسین علیه‌السلام؟ فرمود:  
«زیارت پدرم فضیلت بیشتری دارد، زیرا ابا عبد الله علیه‌السلام را همه‌ی مردم زیارت می‌کنند، ولی پدرم را جز شیعیان برگزیده زیارت نمی‌کنند.»  
[صفحه 25]

## حدیث 10

قَالَ أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِیُّ:  
کَانَ الرِّضَا علیه‌السلام یُکَلِّمُ النَّاسَ بِلُغَاتِهِمْ وَ کَانَ وَ اللَّهِ أَفْصَحَ النَّاسِ وَ أَعْلَمَهُمْ بِکُلِّ لِسَانٍ وَ لُغَةٍ فَقُلْتُ لَهُ یَوْماً:  
«یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّی لَأَعْجَبُ مِنْ مَعْرِفَتِکَ بِهَذِهِ اللُّغَاتِ عَلَی اخْتِلَافِهَا!؟»  
فَقَالَ: یَا أَبَا الصَّلْتِ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ وَ مَا کَانَ اللَّهُ لِیَتَّخِذَ حُجَّةً عَلَی قَوْمٍ وَ هُوَ لَا یَعْرِفُ لُغَاتِهِمْ أَ وَ مَا بَلَغَکَ قَوْلُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام «أُوتِینَا فَصْلَ الْخِطَابِ» وَ مَا کَانَ فَصْلُ الْخِطَابِ إِلَّا مَعْرِفَةَ اللُّغَات » [12].  
اباصلت هروی گوید: امام رضا علیه‌السلام با مردم به زبان خودشان سخن  
[صفحه 26]  
می‌گفت و به خدا سوگند او سخنورترین و آگاه‌ترین مردم به هر زبان و لغت بود. روزی به ایشان گفتم: ای فرزند رسول خدا، من از آگاهی شما به این زبانها - با وجود تفاوتی که با هم دارند - در شگفتم. فرمود:  
«ای، اباصلت، من حجت خدا بر آفریدگانش می‌باشم و خداوند کسی را حجت بر گروهی نمی‌گرداند که به زبان آنها آشنا نباشد، آیا این سخن امیرالمؤمنین علیه‌السلام را شنیده‌ای که فرمود:  
«به ما فصل الخطاب داده شده است» و مگر فصل الخطاب چیزی غیر از شناخت زبانها می‌باشد.»  
[صفحه 27]

## حدیث 11

عن أبی الحسن موسی علیه‌السلام فی حدیث: أنه قال -وَ عَلِیٌّ ابْنُهُ جَالِسٌ بَیْنَ یَدَیْهِ:  
«مَنْ ظَلَمَ ابْنِی [هَذَا] حَقَّهُ وَ جَحَدَهُ إِمَامَتَهُ مِنْ بَعْدِی کَانَ کَمَنْ ظَلَمَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام إِمَامَتَهُ وَ جَحَدَهُ حَقَّهُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم.» [13].  
امام موسی کاظم علیه‌السلام در ضمن حدیثی، در حالی که فرزندشان امام رضا علیه‌السلام در برابرشان نشسته بود، فرمود:  
«کسی که در حق این پسرم ستم ورزد و امامتش را بعد از من انکار نماید، مانند کسی است که در حق علی بن ابی طالب علیه‌السلام ستم ورزیده و امامتش را بعد از رسول خدا صلی الله علیه و سلم انکار نموده باشد.»  
[صفحه 28]

## حدیث 12

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام:  
«یُقْتَلُ حَفَدَتِی بِأَرْضِ خُرَاسَانَ فِی مَدِینَةٍ یُقَالُ لَهَا طُوسُ مَنْ زَارَهُ إِلَیْهَا عَارِفاً بِحَقِّهِ أَخَذْتُهُ بِیَدِی یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ وَ إِنْ کَانَ مِنْ أَهْلِ الْکَبَائِرِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ مَا عِرْفَانُ حَقِّهِ قَالَ یَعْلَمُ أَنَّهُ [إِمَامٌ] مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِیبٌ شَهِیدٌ مَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ سَبْعِینَ شَهِیداً مِمَّنِ اسْتُشْهِدَ بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَلَی حَقِیقَةٍ.» [14].  
امام صادق علیه‌السلام فرمود:  
«نوه‌ی مرا در سرزمین خراسان در شهری به نام طوس می‌کشند؛ کسی که او را با شناخت حق وی زیارت کند، من روز قیامت از او دستگیری می‌کنم و وارد  
[صفحه 29]  
بهشتش می‌سازم، هر چند که مرتکب گناهان کبیره شده باشد.»  
راوی گفت: فدایت شوم، شناخت حق او را به چیست؟  
فرمود: «این که بدانی او (امامی است که) پیروانش واجب است. او غریب است و شهید؛ کسی که با شناخت حقش، او را زیارت کند، خدای صاحب عزت و جلال پاداش هفتاد شهید از شهدای راستین در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و سلم را به او عطا می‌فرماید.»  
[صفحه 30]

## حدیث 13

عن عَلِیِّ بْن یَقْطِینٍ قال:  
کُنْتُ عِنْدَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه‌السلام جَالِساً فَدَخَلَ عَلَیْهِ [ابْنُهُ] الرِّضَا علیه‌السلام فَقَالَ:  
«یَا عَلِیُّ هَذَا سَیِّدُ وُلْدِی وَ قَدْ نَحَلْتُهُ کُنْیَتِی» فَقَالَ هِشَامٌ بن صالح أَخْبَرَکَ وَ اللَّهِ أَنَّ الْأَمْرَ فِیهِ مِنْ بَعْدِه » [15].  
علی بن یقطین گوید:  
نزد بنده‌ی شایسته حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام نشسته بودم که حضرت رضا علیه‌السلام وارد شد، پس فرمود:  
«ای علی، این آقای فرزندان من است که کنیه‌ی خود (ابوالحسن) را به او بخشیدم.» هشام بن صالح گفت: بخدا سوگند تو را آگاه ساخت که امر (امامت) پس از وی در این امام خواهد بود.  
[صفحه 31]

## حدیث 14

عن الْبَزَنْطِیِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّد بْنِ عَلِیٍّ بن موسی علیه‌السلام:  
«إِنَّ قَوْماً مِنْ مُخَالِفِیکُمْ یَزْعُمُونَ أَنَّ أَبَاکَ إِنَّمَا سَمَّاهُ الْمَأْمُونُ الرِّضَا لِمَا رَضِیَهُ لِوِلَایَةِ عَهْدِهِ فَقَالَ علیه السلام کَذَبُوا وَ اللَّهِ وَ فَجَرُوا بَلِ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی سَمَّاهُ بِالرِّضَا علیه السلام لِأَنَّهُ کَانَ رَضِیَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی سَمَائِهِ وَ رَضِیَ لِرَسُولِهِ وَ الْأَئِمَّةِ بَعْدَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ فِی أَرْضِهِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ أَ لَمْ یَکُنْ کُلُّ وَاحِدٍ مِنْ آبَائِکَ الْمَاضِینَ علیهم السلام رَضِیَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِرَسُولِهِ وَ الْأَئِمَّةِ بَعْدَهُ علیه السلام فَقَالَ بَلَی فَقُلْتُ فَلِمَ سُمِّیَ أَبُوکَ علیه السلام مِنْ بَیْنِهِمُ الرِّضَا؟ قَالَ لِأَنَّهُ رَضِیَ بِهِ الْمُخَالِفُونَ مِنْ أَعْدَائِهِ کَمَا رَضِیَ بِهِ الْمُوَافِقُونَ.  
[صفحه 32]  
مِنْ أَوْلِیَائِهِ وَ لَمْ یَکُنْ ذَلِکَ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِهِ علیه السلام فَلِذَلِکَ سُمِّیَ مِنْ بَیْنِهِمُ الرِّض علیه السلام.» [16]  
بزنطی گوید:  
«به ابوجعفر محمد بن علی بن موسی (امام جواد) علیه‌السلام گفتم: گروهی از مخالفان شما می‌پندارند که (علت ملقب شدن پدرتان به رضا علیه‌السلام) این است که چون پدرتان را برای ولایت عهدی خود پسندید، این لقب (یعنی) رضا را به ایشان داد. فرمود:  
«به خدا سوگند دروغ گفتند و گمراه گشتند، بلکه خدای تعالی آن حضرت را رضا نامیده است، زیرا که وی از خدای صاحب عزت و جلال در آسمانش و از پیامبرش و امامان بعد از آن حضرت در زمین راضی بود؟ گفتم: مگر پدران پیشین شما از خدای صاحب عزت و جلال و پیامبر و امامان بعد از آن حضرت علیه‌السلام راضی نبودند؟  
فرمود: آری.  
گفتم: پس چرا  
[صفحه 33]  
پدر شما از میان آنان رضا نامیده شده است؟  
فرمود: زیرا که مخالفان از دشمنانش همانند موافقان از دوستانش از او رضایت داشتند و این موقعیت برای کسی از پدران او پیش نیامد، از این رو از میان ایشان، لقب رضا علیه‌السلام به آن حضرت اختصاص یافت.»

## حدیث 15

عن دَاوُدَ الرَّقِّیِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی إِبْرَاهِیمَ علیه السلام:  
«جُعِلْتُ فِدَاکَ قَدْ کَبِرَ سِنِّی فَحَدِّثْنِی مَنِ الْإِمَامُ بَعْدَکَ.»  
قَالَ: فَأَشَارَ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام وَ قَالَ هَذَا صَاحِبُکُمْ مِنْ بَعْدِی » [17]  
داود رقی گوید: به ابو ابراهیم (امام موسی کاظم) علیه‌السلام گفتم: فدایت شوم، سن من بالا رفته است، بیان نمایید امام بعد از شما کیست؟ پس آن حضرت اشاره به ابوالحسن الرضا علیه‌السلام کرد و فرمود:  
«این صاحب شما بعد از من است.»  
[صفحه 35]

## حدیث 16

عَنْ سُلَیْمَانَ الْمَرْوَزِیِّ قَالَ:  
«دَخَلْتُ عَلَی أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام وَ أَنَا أُرِیدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْحُجَّةِ عَلَی النَّاسِ بَعْدَهُ»  
فَابْتَدَأَنِی وَ قَالَ:  
«یَا سُلَیْمَانُ إِنَّ عَلِیّاً ابْنِی وَ وَصِیِّی وَ الْحُجَّةُ عَلَی النَّاسِ بَعْدِی وَ هُوَ أَفْضَلُ وُلْدِی فَإِنْ بَقِیتَ بَعْدِی فَاشْهَدْ لَهُ بِذَلِکَ عِنْدَ شِیعَتِی وَ أَهْلِ وَلَایَتِی وَ الْمُسْتَخْبِرِینَ عَنْ خَلِیفَتِی مِنْ بَعْدِی » [18]  
سلیمان مروزی گوید: من خدمت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه‌السلام رسیدم و می‌خواستم از حجت بر مردم، پس از وی سؤال نمایم که ابتدا به ساکن فرمود:  
«ای سلیمان، علی پسرم، وصی و حجت بر مردم بعد از  
[صفحه 36]  
من است. او. برترین فرزندانم می‌باشد. اگر بعد از من زنده بودی، این را نزد شیعیان و دوستدارانم و کسانی که خواستار شناخت جانشین بعد از من هستند، گواهی بده.»  
[صفحه 37]

## حدیث 17

قال حُسَیْنُ بْن بَشِیرٍ:  
«أَقَامَ لَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام ابْنَهُ عَلِیّاً  
علیه السلام کَمَا أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم [عَلِیّاً علیه السلام] یَوْمَ غَدِیرِ خُمٍّ فَقَالَ:  
یَا أَهْلَ الْمَدِینَةِ أَوْ قَالَ یَا أَهْلَ الْمَسْجِدِ هَذَا وَصِیِّی مِنْ بَعْدِی » [19]  
حسین بن بشیر گوید: «ابوالحسن موسی بن جعفر علیه‌السلام پسرش علی (بن موسی الرضا) علیه‌السلام را (جهت معرفی به امامت) بلند نمود، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم، علی علیه‌السلام را روز غدیر خم بلند نمود و فرمود:  
ای مردم مدینه - یا فرمود:  
ای اهل مسجد - این جانشین بعد از من است.»  
[صفحه 38]

## حدیث 18

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ:  
«دَخَلْتُ عَلَی أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام وَ عَلِیٌّ ابْنُهُ علیه السلام فِی حَجْرِهِ وَ هُوَ یُقَبِّلُهُ وَ یَمَصُّ لِسَانَهُ وَ یَضَعُهُ عَلَی عَاتِقِهِ وَ یَضُمُّهُ إِلَیْهِ وَ یَقُولُ: بِأَبِی أَنْتَ مَا أَطْیَبَ رِیحَکَ وَ أَطْهَرَ خَلْقَکَ وَ أَبْیَنَ فَضْلَکَ؟!»  
قُلْتُ: «جُعِلْتُ فِدَاکَ لَقَدْ وَقَعَ فِی قَلْبِی لِهَذَا الْغُلَامِ مِنَ الْمَوَدَّةِ مَا لَمْ یَقَعْ لِأَحَدٍ إِلَّا لَکَ.»  
فَقَالَ لِی «یَا مُفَضَّلُ هُوَ مِنِّی بِمَنْزِلَتِی مِنْ أَبِی علیه السلام ذُرِّیَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ.»  
قَالَ: «قُلْتُ هُوَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِکَ؟»  
قَالَ: «نَعَمْ مَنْ أَطَاعَهُ رَشَدَ وَ مَنْ عَصَاهُ کَفَر.» [20].  
[صفحه 39]  
مفضل بن عمر گوید:  
«خدمت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه‌السلام رسیدم، (مشاهده نمودم که) پسرش علی (بن موسی الرضا) علیه‌السلام در آغوشش می‌باشد و او را می‌بوسد و زبانش را می‌مکد و بر شانه‌اش می‌گذارد و او را در آغوش می‌فشرد و می‌فرماید: پدرم فدایت! چه رایحه‌ی دل انگیز و خوی پاک و برتری آشکاری داری! گفتم: فدایت شوم، مهر این کودک آن چنان در دلم جای گرفت که جز مهر شما محبت کسی بدان حد به دلم راه نیافته است. فرمود:  
ای مفضل، منزلت او نسبت به من مانند منزلت من نسبت به پدر ماست، خاندانی که برخی از ایشان از برخی دیگرند و البته خدا بسیار شنوای داناست. گفتم: آیا او بعد از شما (امام و) صاحب این امر خواهد بود؟ فرمود:  
آری، کسی که او را پیروی نماید هدایت یابد و کسی که نافرمانیش کند کافر می‌شود.»  
[صفحه 40]

## حدیث 19

فی حدیث - أَنَّ عَلِیَّ بْنَ یَقْطِینٍ قَالَ لِأَبِی الْحَسَنِ موسی علیه‌السلام: مَنْ لَنَا بَعْدَکَ یَا سَیِّدِی؟  
فقال: «عَلَی ابْنِی هَذَا، هُوَ خَیْرٌ من أُخَلِّفُ بَعْدِی هُوَ مِنِّی بِمَنْزِلَةِ أبی، هو لشیعتی، عِنْدَهُ عِلْمُ مَا یُحْتَاجُ إِلَیْهِ. سَیِّدٌ فِی الدُّنْیَا وَ سَیِّدٌ فِی الْآخِرَةِ و انه لمن الْمُقَرَّبِینَ.» [21]  
در حدیثی علی بن یقطین به ابوالحسن امام موسی کاظم علیه‌السلام گفت: آقای من، بعد از شما چه کسی (امام) خواهد بود؟ فرمود:  
این پسرم علی، که بهترین بازمانده و جانشین من است. او نسبت به من مانند منزلت من نسبت به پدرم است (که امامت را بعد از من به عهده خواهد داشت).  
[صفحه 41]  
بهره‌وری شیعیانم از او بدین گونه است که آنچه بدان نیازمندند نزد اوست. او سرور دنیا و آخرت و از مقربان (درگاه الهی) است.»  
[صفحه 42]

## حدیث 20

قَالَ إِبْرَاهِیمُ بْنُ الْعَبَّاسِ:  
مَا رَأَیْتُ الرِّضَا علیه السلام سَأَلَ عَنْ شَیْ‌ءٍ قَطُّ … إِلَّا عِلْمَهُ وَ لَا رَأَیْتُ أَعْلَمَ مِنْهُ بِمَا کَانَ فِی الزَّمَانِ إِلَی وَقْتِهِ وَ عَصْرِهِ وَ کَانَ الْمَأْمُونُ یَمْتَحِنُهُ بِالسُّؤَالِ عَنْ کُلِّ شَیْ‌ءٍ فَیُجِیبُ عَنْهُ وَ کَانَ کَلَامُهُ کُلُّهُ وَ جَوَابُهُ وَ تَمَثُّلُهُ انْتِزَاعَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَ کَانَ یَخْتِمُهُ فِی کُلِّ ثَلَاثٍ وَ یَقُولُ لَوْ أَنِّی أَرَدْتُ أَخْتِمُهُ فِی أَقْرَبَ مِنْ ثَلَاثٍ لَخَتَمْتُ وَ لَکِنِّی مَا مَرَرْتُ بِآیَةٍ قَطُّ إِلَّا فَکَّرْتُ فِیهَا وَ فِی أَیِّ شَیْ‌ءٍ أُنْزِلَتْ وَ فِی أَیِّ وَقْتٍ فَلِذَلِکَ صِرْتُ أَخْتِمُهُ فِی کُلِّ ثَلَاث أیام.» [22].  
[صفحه 43]  
ابراهیم بن عباس گوید:  
«هیچ گاه ندیدم که از (امام) رضا علیه‌السلام چیزی پرسیده شود، جز این که آن سؤال را پاسخ می‌داد. در میان عالمان پیشین و دانشمندان معاصر او کسی را آگاهتر از وی نیافتم. مأمون با پرسشهای گوناگون او را می‌آموزد و او از عهده‌ی پاسخ تمامی آنها بر می‌آمد. تمامی سخن و جواب و شواهد مثال او از قرآن بود. در هر سه روز یک مرتبه قراء قرآن را به پایان می‌برد و می‌فرمود:  
«اگر بخواهم می‌توانم آن را در کمتر از سه روز هم ختم نمایم، اما هرگز از آیه‌ای نمی‌گذرم جز این که در آن می‌اندیشم که درباره‌ی چه و چه هنگام نازل گشته است و از این لحاظ است که هر سه روز یک مرتبه قرآن را ختم می‌نمایم.»  
[صفحه 44]

## حدیث 21

قَالَ الْکَاظِمُ علیه‌السلام لِأَصْحَابِهِ  
«اشْهَدُوا أَنَّ ابْنِی هَذَا وَصِیِّی وَ الْقَیِّمُ بِأَمْرِی وَ خَلِیفَتِی مِنْ بَعْدِی مَنْ کَانَ لَهُ عِنْدِی دَیْنٌ فَلْیَأْخُذْهُ مِنِ ابْنِی هَذَا وَ مَنْ کَانَتْ لَهُ عِنْدِی عِدَةٌ فَلْیَتَنَجَّزْهَا مِنْهُ وَ مَنْ لَمْ یَکُنْ لَهُ بُدٌّ مِنْ لِقَائِی فَلَا یَلْقَنِی إِلَّا بِکِتَابِهِ » [23]  
امام کاظم علیه‌السلام به اصحاب خود فرمود:  
«گواه باشید که این پسرم (امام رضا علیه‌السلام) وصی و سرپرست و جانشین بعد از من می‌باشد، کسی که من دینی از او بر گردن دارم، آن را از این پسرم بگیرد، کسی که من به او وعده‌ای داده‌ام، انجام آن را از او بخواهد و کسی که ناگزیر از ملاقات با من است، از راه نامه‌نگاری با او با من پیوند برقرار سازد.»

## حدیث 22

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه‌السلام:  
«إِنَّ ابْنِی عَلِیّاً أَکْبَرُ وُلْدِی وَ أَبَرُّهُمْ عِنْدِی وَ أَحَبُّهُم إِلَیَّ وَ هُوَ یَنْظُرُ مَعِی فِی الْجَفْرِ وَ لَمْ یَنْظُرْ فِیهِ إِلَّا نَبِیٌّ أَوْ وَصِیُّ نَبِی » [24]  
امام موسی کاظم علیه‌السلام فرمود:  
«همانا علی پسر بزرگم نزد من از همه فرزندانم نیکوکارتر و محبوبتر است. او با من در جفر [25] می‌نگرد و حال آنکه در جفر جز پیامبر یا وصی پیامبر نمی‌تواند بدان بنگرد.»  
[صفحه 46]

## حدیث 23

قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ علیه‌السلام:  
«یَخْرُجُ وَلَدٌ مِنِ ابْنِی مُوسَی اسْمُهُ اسْمُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَیْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ إِلَی أَرْضِ طُوسَ وَ هِیَ بِخُرَاسَانَ یُقْتَلُ فِیهَا بِالسَّمِّ فَیُدْفَنُ فِیهَا غَرِیباً مَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَی أَجْرَ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَل » [26]  
امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود:  
«فرزندی از پسرم موسی که همنام امیرالمؤمنین علیه الصلاة و السلام است، به جانب سرزمین طوس در خراسان می‌رود و در آن جا با زهر کشته شده و غریبانه دفن می‌شود، کسی که او را با شناخت حق وی (به اینکه آن حضرت اما واجب الاطاعة  
[صفحه 47]  
است) زیارت کند، خدای تعالی پاداش کسی را که قبل از پیروزی، انفاق نموده و جنگیده است به وی عطا می‌نماید.»  
[صفحه 48]

## حدیث 24

قال زِیَاد الْقَنْدِی:  
دَخَلْتُ عَلَی أَبِی إِبْرَاهِیمَ علیه‌السلام وَ عِنْدَهُ ابْنُهُ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام فَقَالَ یَا زِیَادُ هَذَا ابْنِی کِتَابُهُ کِتَابِی وَ کَلَامُهُ کَلَامِی وَ رَسُولُهُ رَسُولِی وَ مَا قَالَ فَالْقَوْلُ قَوْلُهُ » [27].  
زاید قندی گوید:  
خدمت امام کاظم علیه‌السلام رسیدم، در حالی که پسرش ابوالحسن (امام رضا) علیه‌السلام نزد ایشان بود. سپس فرمود:  
«ای زیاد، این پسرم نوشته‌اش نوشته‌ی من، سخنش سخن من، فرستاده‌اش فرستاده‌ی من است و هر چه گوید، سخن، سخن اوست.»  
[صفحه 49]

## حدیث 25

عَنِ الرِّضَا علیه‌السلام أنه قال له رجل من أهل خراسان:  
یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ رَأَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فی المنام کَأَنَّهُ یَقُولُ لِی:  
کَیْفَ أَنْتُمْ إِذَا دُفِنَ فِی أَرْضِکُمْ بَضْعَتِی وَ اسْتُحْفِظْتُمْ وَدِیعَتِی وَ غُیِّبَ فِی ثَرَاکُمْ نَجْمِی؟  
فقال له الرضا علیه‌السلام: أَنَا الْمَدْفُونُ فِی أَرْضِکُمْ وَ أَنَا بَضْعَةٌ مِنْ نَبِیِّکُمْ وَ أَنَا الْوَدِیعَةُ وَ النَّجْمُ أَلَا فَمَنْ زَارَنِی وَ هُوَ یَعْرِفُ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی مِنْ حَقِّی وَ طَاعَتِی فَأَنَا وَ آبَائِی شُفَعَاؤُهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ مَنْ کُنَّا شُفَعَاءَهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ نَجَا وَ لَوْ کَانَ عَلَیْهِ مِثْلُ وِزْرِ الثَّقَلَیْنِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ.» [28].  
[صفحه 50]  
مردی خراسانی به امام رضا علیه‌السلام عرض نمود:  
ای فرزند رسول خدا، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به من فرمود:  
«چگونه است حال شما آن هنگام که فردی از (خاندان) من در سرزمین شما دفن گردد و شما به حفظ این امانت من اهتمام نمایید و ستاره‌ی من در خاک شما پنهان گردد؟»  
امام رضا علیه‌السلام فرمود:  
«من هستم که در سرزمین شما دفن می‌گردم؛ من پاره‌ی تن پیامبر شما هستم؛ و منم آن امانت و ستاره، آگاه باشید کسی که مرا زیارت کند، در حالی که بداند که خدای تبارک و تعالی (ادای) حق و پیروی مرا واجب ساخته است، من و پدرانم روز قیامت شفیعان او خواهیم بود و کسی که ما روز قیامت شفیع او باشیم (از آتش دوزخ) رهایی می‌یابد، هر چند بار گناهان جن و انس بر او باشد.»  
[صفحه 51]

## حدیث 26

قال أبوالحسن موسی علیه‌السلام فی حدیث:  
«مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِی عَلِیٍّ وَ بَاتَ عِنْدَهُ لَیْلَةً کَانَ کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِی عَرْشِهِ.  
قِیلَ: کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِی عَرْشِهِ؟  
فَقَالَ: نَعَمْ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ کَانَ عَلَی عَرْشِ الرحمن أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِینَ  
فَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ الَّذِینَ هُمْ مِنَ الْأَوَّلِینَ- فَنُوحٌ وَ إِبْرَاهِیمُ وَ مُوسَی وَ عِیسَی علیه السلام وَ أَمَّا الْأَرْبَعَةُ مِنَ الْآخِرِینَ- فَمُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهم‌السلام ثُمَّ یُمَدُّ الْمِضْمَارُ فَیَقْعُدُ مَعَنَا مَنْ زَارَ قُبُورَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام إِلَّا أَنَّ أَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَ أَقْرَبَهُمْ حَبْوَةً زُوَّارُ قَبْرِ وَلَدِی علیه السلام.» [29].  
[صفحه 52]  
امام موسی کاظم علیه‌السلام در ضمن حدیثی فرمود:  
«کسی که قبر فرزندم علی علیه‌السلام را زیارت کند و شبی را نزد او به سر برد، مانند کسی است که خداوند را در عرش زیارت کرده است.» راوی (از روی تعجب) گفت: مانند کسی که خدا را در عرش زیارت کرده است؟  
حضرت فرمود:  
«آری، چون روز قیامت شود، چهار نفر از پیشینیان و چهار نفر از پیشینیان بر عرش خدای رحمان قرار می‌گیرند. چهار نفر پیشینیان نوح و ابراهیم و موسی وعیسی علیهم‌السلام هستند و چهار نفر پسینیان محمد و علی وحسن و حسین علیهم‌السلام؛ بعد از آن خوان طعام گسترده می‌شود و زائران قبور ائمه علیهم‌السلام به (گرد) آن می‌نشینند؛ بدانید که (در میان زائران قبور ائمه علیهم‌السلام) مقام زائران قبر فرزندم از همه بلندتر و پر ارج تر است.»  
[صفحه 53]

## حدیث 27

عن أبی‌اصلت الهروی قال:  
کُنْتُ عِنْدَ الرِّضَا علیه‌السلام فَدَخَلَ عَلَیْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ قُمَّ فَسَلَّمُوا عَلَیْهِ فَرَدَّ عَلَیْهِمْ وَ قَرَّبَهُمْ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ:  
«مَرْحَباً بِکُمْ وَ أَهْلًا فَأَنْتُمْ شِیعَتُنَا حَقّاً یَأْتِی عَلَیْکُمْ یَوْمٌ تَزُورُونَ فِیهِ تُرْبَتِی بِطُوسَ أَلَا فَمَنْ زَارَنِی وَ هُوَ عَلَی غُسْلٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ کَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّه » [30].  
اباصلت هروی گوید:  
خدمت امام رضا علیه‌السلام بودم که گروهی از مردم قم وارد شدند و سلام نمودند. حضرت پاسخ آنها را فرمود و ایشان را نزدیک خویش جای داد. سپس فرمود:  
«آفرین بر شما! شما شیعیان راستین ما هستید، زمانی بر شما فرا می‌رسد که خاک (قبر) مرا در طوس  
[صفحه 54]  
[زیارت] می‌کنید، آگاه باشید کسی که مرا در حالی که غسل نموده باشد زیارت کند، از گناهانش پاک می‌شود، مانند روزی که از مادر زاییده شده است.»  
[صفحه 55]

## حدیث 28

عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الحسنی قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام:  
قَدْ تَحَیَّرْتُ بَیْنَ زِیَارَةِ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ بَیْنَ زِیَارَةِ قَبْرِ أَبِیکَ علیه السلام بِطُوسَ فَمَا تَرَی فَقَالَ لِی مَکَانَکَ ثُمَّ دَخَلَ وَ خَرَجَ وَ دُمُوعُهُ تَسِیلُ عَلَی خَدَّیْهِ فَقَالَ زُوَّارُ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام کَثِیرُونَ وَ زُوَّارُ قَبْرِ أَبِی علیه السلام بِطُوسَ قَلِیلُون » [31].  
عبدالعظیم حسنی گوید:  
به ابوجعفر (امام جواد علیه‌السلام) گفتم: من در تردیدم که به زیارت قبر اباعبدالله الحسین علیه‌السلام مشرف شوم یا به زیارت قبر پدرتان در طوس، نظر شما چیست؟ فرمود:  
در جای خود باش» سپس (حضرت) وارد (خانه) شد و پس (از اندکی) بیرون آمد در حالی  
[صفحه 56]  
پس (از اندکی) بیرون آمد در حالی که اشک از گونه‌هایش جاری بود، فرمود:  
زائران اباعبدالله علیه‌السلام بسیارند و زائران قبر پدرم در طوس اندک.» [32].  
[صفحه 57]

## حدیث 29

عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِیُّ قَالَ:  
سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیِّ الرِّضَا علیه‌السلام یَقُولُ:  
«مَا زَارَ أَبِی علیه السلام أَحَدٌ فَأَصَابَهُ أَذًی مِنْ مَطَرٍ أَوْ بَرْدٍ أَوْ حَرٍّ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَی النَّار.» [33].  
(حضرت) عبدالعظیم حسنی از امام محمد تقی علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود:  
«کسی که به زیارت پدرم نائل شود و (در راه زیارت) به او آزاری مانند باران یا سرمایی یا گرمایی برسد، جز این نیست که خداوند پیکرش را بر آتش (دوزخ) حرام می‌نماید.»  
[صفحه 58]

## حدیث 30

عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ الْحَسَنِیِّ قَالَ:  
سَمِعْتُ عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدِ الْعَسْکَرِیَّ علیه السلام یَقُولُ:  
«أَهْلُ قُمَّ وَ أَهْلُ آبَةَ مَغْفُورٌ لَهُمْ لِزِیَارَتِهِمْ لِجَدِّی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا علیهماالسلام بِطُوسَ أَلَا وَ مَنْ زَارَهُ فَأَصَابَهُ فِی طَرِیقِهِ قَطْرَةٌ مِنَ السَّمَاءِ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَی النَّار.» [34].  
(حضرت) عبدالعظیم حسنی گوید: از امام علی النقی علیه‌السلام شنیدم که فرمود:  
«مردم قم و آبه [35].  
به جهت زیارت جدم علی بن موسی الرضا علیهماالسلام در طوس گناهانشان آمرزیده شده. آگاه باشید کسی که آن حضرت را زیارت کند و در راه (زیارت) او قطره‌ای (باران) از آسمان بر او فرو بارد، خداوند پیکرش را بر آتش (دوزخ) حرام می‌کند.»  
[صفحه 59]

## حدیث 31

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلْخٍ قَالَ:  
«کُنْتُ مَعَ الرِّضَا علیه السلام فِی سَفَرِهِ إِلَی خُرَاسَانَ فَدَعَا یَوْماً بِمَائِدَةٍ لَهُ فَجَمَعَ عَلَیْهَا مَوَالِیَهُ مِنَ السُّودَانِ وَ غَیْرِهِمْ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ لَوْ عَزَلْتَ لِهَؤُلَاءِ مَائِدَةً فَقَالَ مَهْ إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَاحِدٌ وَ الْأُمَّ وَاحِدَةٌ وَ الْأَبَ وَاحِدٌ وَ الْجَزَاءَ بِالْأَعْمَالِ » [36].  
عبدالله بن الصلت از مردی از اهل بلخ نقل می‌کند که گفت:  
«در طول مسیر مسافرت امام رضا علیه‌السلام به خراسان، من در خدمت ایشان بودم، روزی غذا طلبید و (پس از گستراندن سفره) غلامان سیاه خود دیگران را بر سر آن گرد آورد. گفتم: فدایت شود، بهتر بود که (سفره) غذای آنان را  
[صفحه 60]  
جدا می‌نمودید. فرمود:  
ساکت باش، پروردگار تبارک و تعالی یکی است، مادر یکی است، پدر یکی است و پاداش به کردار است.»  
[صفحه 61]

## حدیث 32

عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ سألت أباجعفر علیه‌السلام: مَا لِمَنْ زَارَ أباک بِخُرَاسَانَ؟  
قال: «الْجَنَّةُ وَ اللَّهِ الْجَنَّةُ وَ اللَّه » [37].  
علی بن اسباط گوید:  
از ابوجعفر (امام جواد) علیه‌السلام پرسیدم: کسی که پدرتان را در خراسان زیارت کند، چه (پاداشی) خواهد داشت؟ فرمود:  
به خدا قسم بهشت، به خدا قسم بهشت.»  
[صفحه 62]

## حدیث 33

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:  
«سَتُدْفَنُ بَضْعَةٌ مِنِّی بِأَرْضِ خُرَاسَانَ لَا یَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ [عَزَّ وَ جَلَّ] لَهُ الْجَنَّةَ وَ حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَی النَّار.» [38].  
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
«به زودی پاره‌ی تن من در سرزمین خراسان دفن می‌شود که هیچ مؤمنی او را زیارت نمی‌کند، مگر این که خداوند بهشت را بر او واجب ساخته و پیکرش را بر (آتش) دوزخ حرام می‌سازد.»  
[صفحه 63]

## حدیث 34

قال الامام الجواد علیه‌السلام:  
«ضَمِنْتُ لِمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِی الرضا علیه‌السلام بِطُوسَ عَارِفاً بِحَقِّهِ الْجَنَّةَ عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَل » [39].  
امام جواد علیه‌السلام فرمود:  
«کسی که قبر پدرم رضا علیه‌السلام را در طوس با شناخت حق او (به اینکه حضرتش امام واجب الاطاعة است) زیارت کند، من نزد خدای تعالی بهشت را برای او ضمانت می‌کنم.»  
[صفحه 64]

## حدیث 35

قال الرضا علیه‌السلام:  
«مَا زَارَنِی أَحَدٌ مِنْ أَوْلِیَائِی عَارِفاً بِحَقِّی إِلَّا شُفِّعْتُ فِیهِ یَوْمَ الْقِیَامَة.» [40].  
امام رضا علیه‌السلام فرمود:  
«هیچ یک از دوستانم مرا با آگاهی به حقم (که امام واجب الاطاعه هستم) زیارت نمی‌کند مگر این که روز قیامت او را شفاعت خواهم کرد.»  
[صفحه 65]

## حدیث 36

قال الرضا علیه‌السلام:  
«مَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَی زِیَارَتِی اسْتُجِیبَ دُعَاؤُهُ وَ غُفِرَ لَهُ ذونَبُه مَنْ زَارَنِی فِی تِلْکَ الْبُقْعَةِ کَانَ کَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ کَتَبَ اللَّهُ [تَعَالَی] لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ وَ کُنْتُ أَنَا وَ آبَائِی شُفَعَاءَهُ یَوْمَ الْقِیَامَة و هذه البقعة رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ و مختلف الملائکة، َلَا یَزَالُ فَوْجٌ یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ فَوْجٌ یَصْعَدُ إِلَی أَنْ یُنْفَخَ فِی الصُّورِ.» [41].  
امام رضا علیه‌السلام فرمود:  
«کسی که بار سفر به سوی من بربندد دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده می‌شود، پس کسی که مرا در آن مکان زیارت کند، مانند کسی است که  
[صفحه 66]  
رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد، خداوند برای او پاداش هزار حج و عمره‌ی پذیرفته شده می‌نویسد و من و پدرانم شفیعان او روز قیامت خواهیم بود؛ این بقعه بوستانی از بوستان های بهشت و محل رفت و آمد فرشتگان است؛ آن گونه که گروهی از آسمان فرو می‌آیند و گروهی بالا می‌روند، تا این که در صور دمیده شود.»  
[صفحه 67]

## حدیث 37

قال الامام موسی بن جعفر علیهماالسلام فی حدیث:  
«وَ لَقَدْ رَأَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی الْمَنَامِ و أمیرالمؤمنین علیه‌السلام مَعَهُ … ثُمَّ وَصَفَهُ لِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ:  
عَلِیٌّ ابْنُکَ الَّذِی یَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ وَ یَسْمَعُ بِتَفْهِیمِهِ وَ یَنْطِقُ بِحِکْمَتِهِ یُصِیبُ وَ لَا یُخْطِئُ وَ یَعْلَمُ وَ لَا یَجْهَلُ قَدْ مُلِئَ حِلْماً وَ عِلْماً …» [42].  
امام موسی بن جعفر علیهماالسلام ضمن حدیثی فرمود:  
«رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به همراه آن حضرت در خواب دیدم … سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله وی (امام رضا علیه‌السلام) را برای من توصیف نمود و فرمود:  
«علی پسر توست که نور خدا می‌بیند و به تفهیم الهی می‌شنود و بر  
[صفحه 68]  
پایه‌ی حکمت او سخن می‌گوید، او راه راست می‌پوید و به خطا نمی‌رود، دانشمندی است که (علمش) به جهل نمی‌گراید و لبریز از بردباری و دانش گردیده است.»  
[صفحه 69]

## حدیث 38

قال رسول الله صلی الله علیه و آله فی حدیث فی فضائل الأئمة المعصومین علیهم‌السلام:  
«مَنْ أَحَبَّ أَنْ یَلْقَی اللَّهَ ضَاحِکاً مُسْتَبْشِراً- فَلْیَتَوَلَّ عَلِیَّ بْنَ مُوسَی الرِّضَا- علیه‌السلام … فَهَؤُلَاءِ مَصَابِیحُ الدُّجَی وَ أَئِمَّةُ الْهُدَی وَ أَعْلَامُ التُّقَی- مَنْ أَحَبَّهُمْ وَ تَوَلَّاهُمْ کُنْتُ ضَامِناً لَهُ عَلَی اللَّهِ تَعَالَی بِالْجَنَّةِ» [43].  
رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی در بیان فضائل یکایک ائمه معصومین علیهم‌السلام فرمود:  
«کسی که دوست بدارد خندان، خداوند را ملاقات کند، باید محبت و ولایت علی بن موسی الرضا علیهماالسلام را داشته باشد … اینان (ائمه اطهار علیهم‌السلام) چراغهای تاریکی و امامان هدایتگر و  
[صفحه 70]  
نشانه‌های تقوا هستند، کسی که ایشان را دوست بدارد و بهره‌مند از ولایت آنان گردد، من نزد خدای تعالی بهشت را برای او ضمانت می‌کنم.»  
[صفحه 71]

## حدیث 39

قَالَ یَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّوْبَخْتِیُّ:  
مَرَّ رَجُلٌ بِأَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام فَقَالَ لَهُ:  
أَعْطِنِی عَلَی قَدْرِ مُرُوَّتِکَ.  
قَالَ: لَا یَسَعُنِی ذَلِکَ.  
فَقَالَ: عَلَی قَدْرِ مُرُوَّتِی.  
قَالَ: أَمَّا إِذاً فَنَعَمْ.  
ثُمَّ قَالَ: یَا غُلَامُ أَعْطِهِ مِائَتَیْ دِینَارٍ.» [44].  
یعقوب بن اسحاق نوبختی گوید:  
«مردی خدمت امام رضا علیه‌السلام آمد و عرض کرد: به من به اندازه‌ی جوانمردیت بخشش نما.  
فرمود: نمی‌توانم چنان کنم.  
گفت: (پس) به اندازه‌ی جوانمردی من بخشش نما.  
فرمود: اکنون می‌توانم.  
سپس فرمود: ای غلام به او دویست دینار بده.»

## حدیث 40

قال ابراهیم بن العباس: «  
مَا رَأَیْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا علیه‌السلام  
جَفَا أَحَداً بِکَلِمَةٍ قَطُّ وَ لَا رَأَیْتُهُ قَطَعَ عَلَی أَحَدٍ کَلَامَهُ حَتَّی یَفْرُغَ مِنْهُ وَ مَا رَدَّ أَحَداً عَنْ حَاجَةٍ یَقْدِرُ عَلَیْهَا وَ لَا مَدَّ رِجْلَهُ بَیْنَ یَدَیْ جَلِیسٍ لَهُ قَطُّ وَ لَا رَأَیْتُهُ شَتَمَ أَحَداً مِنْ مَوَالِیهِ وَ مَمَالِیکِهِ قَطُّ وَ لَا رَأَیْتُهُ تَفَلَ وَ لَا رَأَیْتُهُ یُقَهْقِهُ فِی ضَحِکِهِ قَطُّ بَلْ کَانَ ضَحِکُهُ التَّبَسُّمُ وَ کَانَ إِذَا خَلَا وَ نَصَبَ مَائِدَتَهُ أَجْلَسَ مَعَهُ عَلَی مَائِدَتِهِ مَمَالِیکَهُ وَ مَوَالِیَهُ حَتَّی الْبَوَّابَ السَّائِسَ وَ کَانَ علیه السلام قَلِیلَ النَّوْمِ بِاللَّیْلِ کَثِیرَ السَّهَرِ یُحْیِی أَکْثَرَ لَیَالِیهِ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَی الصُّبْحِ وَ کَانَ کَثِیرَ الصِّیَامِ فَلَا یَفُوتُهُ صِیَامُ ثَلَاثَةِ أَیَّامٍ فِی الشَّهْرِ وَ یَقُولُ ذَلِکَ  
[صفحه 73]  
صَوْمُ الدَّهْرِ وَ کَانَ علیه السلام کَثِیرَ الْمَعْرُوفِ وَ الصَّدَقَةِ فِی السِّرِّ وَ أَکْثَرُ ذَلِکَ یَکُونُ مِنْهُ فِی اللَّیَالِی الْمُظْلِمَةِ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ رَأَی مِثْلَهُ فِی فَضْلِهِ فَلَا تُصَدِّقْ.» [45].  
ابراهیم بن عباس گوید:  
«ندیدم که هرگز ابوالحسن الرضا علیه‌السلام با سخنی به کسی ستمی روا دارد و ندیدم که سخن کسی را قطع کند تا اینکه کلامش را به پایان برد و نه آن که از برآوردن حاجت نیازمندی سرباز زند. او هرگز در برابر همنشینی نه پایش را دراز می‌کرد و نه به چیزی تکیه می‌داد. همچنان که ندیدم یکی از زیردستان و زیر خریدانش را هرگز دشنام دهد و ندیدم که آب دهان (بر زمین) اندازد و صدا به خنده بلند سازد، بلکه خنده‌اش به صورت تبسم بود. چون در خلوت خانه سفره‌ی غذا می‌گستراندند، زیردستان و غلامانش  
[صفحه 74]  
و حتی مأمور اصطبل را همراه خود بر سر سفره می‌نشاند. آن حضرت کم خواب و بسیار شب زنده‌دار بود، اکثر شبها را از ابتدا تا صبح به عبادت می‌گذراند، بسیار روزه می‌داشت و روزه‌ی سه روزه [46]. را از دست نمی‌داد و می‌فرمود:  
این (روزه‌ی این سه روز معادل) روزه‌ی یک عمر است؛ کار نیکو بسیار می‌کرد و صدقه‌ی نهانی بسیار می‌داد، که البته اکثر اینها در شبهای تار بود؛ پس اگر کسی پندارد که کسی را در فضیلت همتای او دیده است، تو باور مکن.»

## پاورقی

[1] بحارالانوار، 53 / 103.  
[2] بحارالانوار، 123 / 49.  
[3] وسائل الشیعة، 438 / 10.  
[4] وسائل الشیعة، 437 / 10.  
[5] وسائل الشیعة، 433 / 10.  
[6] بحارالانوار: 284 - 283 / 49».  
[7] وسائل الشیعة، 447 / 10.  
[8] وسائل الشیعه، 439/2.  
[9] بحارالانوار، 36/102.  
[10] بحارالانوار، 100/49.  
[11] الکافی، 584/4.  
[12] اثبات الهداة، 278/3.  
[13] اثبات الهداة، 232/3.  
[14] اثبات الهداة،233/3.  
[15] اثبات الهداة، 234/3.  
[16] بحارالانوار، 4/49.  
[17] بحارالانوار، 15-14/49.  
[18] بحارالانوار، 15/49.  
[19] بحارالانوار، 17/49.  
[20] بحارالانوار، 21-20/49.  
[21] عوالم العلوم، 58/22.  
[22] عوالم العلوم، 180-179/22.  
[23] اثبات الهداة، 229/3.  
[24] الکافی، 312-311/1.  
[25] جفر کتابی است که اختصاصاً در اختیار ائمه اطهار سلام الله علیها است و در آن تمامی علوم و دانشها اعم از احکام حلال و حرام و نیز تمامی کتب و علوم پیامبران پیشین در آن وجود دارد.  
[26] بحارالانوار، 286/49.  
[27] اعلام الوری / 316.  
[28] بحارالانوار، 32 / 102.  
[29] وسائل الشیعة / 443 / 10.  
[30] وسائل الشیعة، 446 / 10.  
[31] وسائل الشیعة، 442 / 10.  
[32] درباره‌ی برتر بودن زیارت حضرت رضا علیه‌السلام به زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و نیز اندک بودن زائران ثامن‌الائمه علیه‌السلام تعلیل‌هایی شده است که بسا مهمترین آنها این باشد که زائران امام رضا علیه‌السلام شیعه اثنی عشری هستند، در حالی که قبر اباعبدالله الحسین (ع) را همه فرقه‌های شیعه زیارت می‌کنند.  
ر. ک. بحارالانوار، 39 / 102.  
[33] وسائل الشیعة، 439 / 10.  
[34] عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، 260 / 2.  
[35] آبه از روستاهای ساوه است.  
[36] بحارالانوار، 101 / 49.  
[37] وسائل الشیعة، 437 / 10.  
[38] الوافی، 1551 / 14.  
[39] وسائل الشیعة، 437 / 10.  
[40] وسائل الشیعة، 434 / 10.  
[41] بحارالانوار، 44/ 102.  
[42] بحارالانوار، 11 - 12/ 49.  
[43] بحارالانوار، 296 / 36.  
[44] بحارالانوار، 100 / 49.  
[45] عیون اخبار الرضا، 184 / 2.  
[46] مقصود پنجشنبه اول و آخر ماه و چهارشنبه‌ی میان ماه می‌باشد.  
ر. ک. منتهی الآمال، 462 / 2.